

**امیر جلیلی نژاد | مهندسی عمران را از دانشگاه فردوسی مشهد اخذ کرده اما شاعری است که همراه با شاعران نامدار انقلابی همچون مجید نظامت، مصطفی محدثی خراسانی، سید عبد... حسینی بوده و از این منظر شناخته می‌شود. محمد کاظم کاظمی را بیشتر از آن که یک شاعر افغان بشناسیم در جوامع ادبی ایرانی و انقلابی دیده‌ایم، شاعری که شعرهایش در کتاب ادبیات دوره دبیرستان است یا در کنگره‌های شعر همچون کنگره شعر دفاع مقدس حضور داشته و دارد، برای همین کنگره‌ها حتی به جبهه‌های دفاع مقدس هم رفته است! کاظمی، متولد سال ۴۶ در هرات است اما کمتر به عنوان یک مهاجر افغانستانی در بین عموم مردم معرفی شده است. گفتگویی که از این منظر با وی داشتیم حاوی نکات ظریفی درباره مهاجرت و مشکلات آن است، آن جایی که محمد کاظم کاظمی با خنده می‌گوید در فرم تمديد کارت شناسایی‌ام از بین ۲۴ شغل، هیچ گزینه نزدیک به کار فرهنگی و ادبی نبود، برای همین چوپانی را انتخاب کردم چون حداقل شغل انبیاست! البته محمد کاظم کاظمی در میان ادبا و شاعران با شعر «پیاده آمده بودم، پیاده خواهم رفت» شناخته می‌شود اما به گفته خودش اگر فرصت‌هایی که برای او پیش آمد برای همه مهاجران مهیا می‌شد، امروز از میان مهاجران امثال محمد کاظم کاظمی بسیار داشتیم. مشروح این گفتگو در ادامه آمده است.**

**شعر «پیاده آمده بودم، پیاده خواهم رفت» مربوط به چه حال و هوایی است؟**  
این شعر از سال ۶۹ شروع و سال ۷۰ تمام شد که حاصل یک دهه حضور در ایران و آنچه از زندگی هم‌وطنانم دیدم و نحوه ارتباط دو جامعه میزبان و میهمان بود. بعضی می‌پرسند آیا این شعر بر اثر رفتار و اتفاقی خاص نوشته شده است؟ نه! این گونه نبود بلکه چشم دیده‌های چند ساله بود که ظرف چهار ماه به شعر سرودم.

**بعد از این که شعرتان منتشر شد، چه بازتابی در جامعه داشت؟**  
این شعر که در صفحه ادب روزنامه اطلاعات منتشر شد، اولین بازتاب از شاعران ایرانی بود که مخاطب صفحه‌ی روزنامه بودند و بعد از آن پاسخ‌های همسو در روزنامه‌های مختلف چاپ شد. یک هفته بعد از انتشار، محمد علی بهمنی شاعر برجسته ایرانی در همان صفحه که شعرم چاپ شد، اولین پاسخ را داد. شاعران خراسانی و سایرین در بعضی از مناطق دوردست ایران هم به این شعر پاسخ دادند، مجموعه پاسخ‌هایی که به مثنوی بازگشت داده شد، نزدیک به ۴۰ مورد بود.

گفتگو با محمد کاظم کاظمی خالق  
«پیاده آمده‌ام، پیاده خواهم رفت»؛

**جامعه مهاجر  
به شعر «بازگشت»  
نیاز داشت**

